

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشعار لاهوتی قطعه ها و منظومه ها  
فرستنده : جاوید  
۲۷ دسمبر ۲۰۱۸

## مردستان

۲

در چنین روزی آمد از ره دُور  
دید ده را تماماً آبادان  
هر کجارت و ایستاد و دوید  
گفت با خود که این چه احوالی ست؟  
کرد وحشت ، دلش به لرزه فتاد  
شد به آواز او زنی از دُور  
قد خمیده، سیاه پوشیده  
سوی جنگل، چو شاخه بی برگ  
زهره مرد از آن اشاره درید  
دید آن حال را وحیران شد  
سیر عیش و سرور آن زنها  
حال او را زنی رعایت کرد  
که به این مُلک چندی پیش  
خواست این مُلک را کند تسخیر  
لیک مردان این ده خُرم  
کس نمی خواست سر فکنده شود  
زان سبب جنگ کرد بادشمن  
گشته گشتند یک به یک مردان  
از دم تیغشان برون ز شمار  
هر قدر خصم حمله ور گردید  
مردی آنجا غریب و نا مشهور  
همه اسباب زندگی در آن  
روی آدم ولی به دیده ندید  
ده پُر از نعمت ، از بشر خالیست  
« آدم، آدم کجاست؟ » زد فریاد  
به در از خانه همچو مرده ز گور  
گوئی از کائنات رنجیده  
دست برداشت آن فرشته مرگ  
تا به جنگل دوید و جست و رسید  
سیر بپرسید و آگه از آن شد  
سیر غمهای آن زن تنها  
بنشانندش، به وی حکایت کرد  
لشکر دشمن آمد از حد بیش  
مردمش را غلام و خوار و اسیر  
بند کردند راه را مُحکم  
زنده ماند به ننگ و بنده شود  
هر یکش در مقابل صد تن  
کسی اما نداد جان ارزان  
غرق خون گشت فیل و فیلسوار  
رو به رو شد به مرگ و برگردید

پیش اردوی دشمن غدار شد تن مرد های ده - دیوار  
ارتش مملکت رسید آندم بیخ دشمن فکند از عالم  
آخرین مرده های ده خرسند دم مردن حیات را دیدند  
بازی جنگ را همین ده برد مملکت را کلید فتح سپرد  
لیک تنها از آن همه مردان شوی آن زن گریخت از میدان  
خبر ننگ را زنش چوشنفت در لباس سیاه با ما گفت  
که مرا، ای زنان بخت سفید بعد از این بیوه زن خطاب کنید!  
نام آن زنده مرد شرمنده «مرده» شد، نام مرده ها - «زنده»  
نام ما نام شوی ما گردید نام شوی آبروی ما گردید  
وز همه این زنان بی شوهر بیوه زن ماند نام آن خواهر  
پدر زنده، کودکان یتیم غمی اینسان که دید تلخ و عظیم؟  
ده ما اینک از همان دوران یافت از خلق نام مردستان

ادامه دارد